وجه انتساب ضعف به سند روایت بطن نخله توسط سید؛ وصف دهقان و مجهول شدن عبیدالله بن احمد

خب چرا ایشان «بسند ضعیف» گفته؟ در خاطرم بود که قبلاً از این روایت بحث کرده‌ایم. گشتم و دیدم بله، در سه جلسه بحث کرده‌ایم. جلسه صد و شصت و یک، صد و شصت و دو، صد و شصت و سه راجع به این حدیث مباحثه کرده‌ایم. نسبتاً هم مفصل بود. راجع به سند در آن جا احتمالی دادم؛ الآن هم که دوباره نگاه کردم تنها چیزی که در سند ذهن من را جلب کرد، همان «طاطری» بود که در چند جلسه قبل هم عرض کردم. در کافی، جلد هشتم، صفحه سیصد و سی و دو، حدیث پانصد و هفده را عرض کردم. اگر یادتان باشد، گفتم نُه روایت است که اول سند آمده و بقیه تعلیق به یکی شده‌اند. از حدیث پانصد و نه شروع می‌شود و حدیثی که ما بحث می‌کنیم پانصد و هفده است. در حدیث پانصد و نه صدر سند هست. حدیث ما هم که از ابان عن عمر بن یزید بر آن تعلیق شده است. سند روایت اول این است:

> **حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الدِّهْقَانِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الطَّاطَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ بَيَّاعِ السَّابِرِيِّ عَنْ أَبَانٍ عَنْ صَبَّاحٍ بْنِ سَيَابَةَ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ[1]**

صباح بن سیابه برای حدیث ما نیست. در حدیث ما فقط ابان شریک می‌شود. یعنی «عن ابان عن عمربن یزید» می‌شود. این سند است. مرحوم مجلسی و خیلی دیگر فرموده‌اند که این روایت موثق است. یعنی بین سند واقفیه داریم. دو نفر واقفیه هستند. حمید بن زیاد و علی بن حسن طاطری. در ذهن من بود که چرا سید «ضعیف» فرموده‌اند. تنها چیزی که در ذهنم پر رنگ می‌شد این بود که علی بن حسن طاطری را شدید العناد گفته اند. با مخالفین خودش از امامیه برخوردهای خیلی شدیدی داشت. مهم این است که ولو نجاشی او را توثیق کرده اما مرحوم شیخ صریحاً فرموده اند که ثقه است. گفته اند از اهل ثقه روایت می‌کند. این می‌تواند مشعر به این باشد که شیخ نگفته اند خود او ثقه است بلکه روایاتی که نقل می‌کند از اهل ثقه است. پس مروی عنه او را توثیق کرده‌اند ولی خودش را نه. اینها احتمالاتی بود که در ذهنم می‌رفت و می‌آمد؛ در مورد اینکه چرا مرحوم سید فرموده‌اند «بسند ضعیف». ولی مرحوم مجلسی و دیگران تعبیر به موثق می‌کنند. برای آنها توثیق آمده است. نجاشی کم کسی نیست که هر دو را توثیق کرده است. تا اینکه به گمانم امروز حل شد.

شاگرد: احتمال اینکه «عمرو بن یزید» خوانده باشند، نیست؟

استاد: نه. عمر بن یزید در سند از اجلاء است. در مباحثه عرض کردم که حضرت مدال به او دادند و فرمودند «انت منا اهل البیت».

شاگرد۲: عمر بن یزید مشترک است. میتواند بیاع ساباری باشد و میتواند عمر بن یزید بن ظبیان هم باشد. ابن ظبیان مجهول است. ولی آن را به روایت ابن ابی عمیر توثیق کردهاند. شاید سید این نوع توثیق را قبول ندانسته باشند و وجه ضعف همینجا باشد.

استاد: ممکن است. ولی برای من طور دیگری حل شد. ببینید مرحوم آقای خوئی در مستند عروه به ضعف این روایت تصریح میکنند و علّت ضعف را بیان میکنند. ایشان این روایت را در کتاب حج میآورند. بعد فرمودهاند سند این روایت به عبد الله بن احمد الدهقان ضعیف است. میگویند در وسائل عبد الله بن احمد الدهقان هست و در کافی عبید الله بن احمد الدهقان است. سند این بود: «حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الدِّهْقَانِ». فرمودند او مجهول است و توثیق نشده است. ایشان صریحاً این را فرمودند. من گفتم چطور توثیق نشده؟! دیگران و همینجا تذکر دادهاند که «الظاهر انه ابن نهیک». البته بعضی جاها ابو نُهیک آمده اما ظاهراً همان نَهیک است. مرحوم میردامداد در تعلیقاتی که بر رجال کشی دارند، تصریح میکنند به فتحه. حتی اگر «آل نَهیک» در عراق معروف باشند، ضبطش هم باید عرفی باشد. وقتی «آل نَهیک» میگویند بعید است که نُهیک باشد. علی ای حال به این مطلب اشاره کردهاند. به گمانم برای مرحوم مجلسی واضح بوده که این عبید الله همان عبید الله بن احمد بن نهیک است. خب پس چطور مرحوم خوئی فرمودند مجهول است؟! احتمالاً سید هم ناظر به همین بودند.

نکته سر این است: در کتب رجالی که اسم عبید الله ای عبدالله آمده، همانطور که در وسائل چاپ السلامیه هم هست و مرحوم خوئی میفرمایند «عبد الله بن احمد الدهقان» است. اما در چاپ آل البیت «عبید الله» آمده است. نمیدانم تصحیح سندی کردهاند ای نسخه ای داشتند؟ آقای خوئی میفرمایند در وسائل «عبد الله» است. وسائلی هم که ایشان میگویند همین وسائل السلامیه است. چاپ بیست جلدی است. نه چاپ سی جلدی.

بنابراین زیر کلمه «الدهقان» خط کشیدیم. در هیچ کتاب رجالی که احوال اینها را گفته اند این عبید الله ای عبدالله بن احمد بن نهیک را هیچ کجا به «الدهقان» توصیف نکردهاند. وصف های جور واجوری برای او آوردهاند اما «الدهقان» در هیچ کتاب رجالی ای نیست. اینجا بود که حدس قوی شد که مثل مرحوم آقای خوئی همانطور که در رجالشان دارند، میگویند مجهول است. عبید الله بن احمد الدهقان ای عبد الله بن احمد الدهقان، مجهول است. وقتی مجهول شد سند ضعیف میشود. چه بسا سید هم از همین لفظ «الدهقان» استفاده کردهاند و گفته اند در کتب رجالی احمد الدهقان مجهول است. بهخاطر این جمل فرمودند «بسند ضعیف». اما مثل علامه مجلسی و سائرین گفتند «عبید الله بن احمد» شیخ و شاگردش معلوم است، این همان ابن نهیک است. همانی است که همه او را میشناسند. حال در بعضی از نسخههای عبدالله بن نهیک است و همین شخص عبید الله بن احمد بن نهیک هم هست. بنابراین به گمانم دلیل ضعف همین باشد. نه اینکه عمر بن یزید مشترک بین دو نفر باشد. شاید در آن مشکلی نداشتند. علی ای حال این چیزی بود که طلبگی رسیدم.

فقط میماند تا ببینیم از مستندات اصل کتب رجال –نه کتب متأخر- جایی داریم که وصف عبدالله بن احمد بن نهیک به دهقان شده؟ ای تنها در سند روایت با وصف الدهقان آمده است. اگر در کتب تراجم الدهقان باشد، دیگر کاملاً صاف میشود و مستند است و از حدس فراتر میرود که او همین خود ابن نهیک است که توثیق شده است. هیچ مشکلی در عبیدالله بن احمد نهیک نیست. لذا نسبت به او سند صحیح میشود. ولو نسبت به حمید بن زیاد و علی بن حسن طاطری موثق میشود. آن دو واقفی هستند. این ابن نهیک که واقفی نیست. توثیق شده امامی است.

نکته‌ای پیرامون ترضی صدوق

شاگرد: این‌که فرمودید در برخی از نسخه‌ها «طاب ثراه» ندارد، این سؤال در ذهنم آمد: خیلی از جاها برای توثیق اشخاص به ترضّی تمسک می‌کنیم. ممکن نیست که بعداً ناسّاخ اضافه کرده باشند؟

استاد: در مثل ترضی جناب صدوق که بعید است. چون به‌عنوان یک بحث بین اهل فن مطرح شده است. صدوق جدا می‌کنند. یعنی کسانی که معلوم است سنی هستند، ترضی نمی‌کنند. اگر این جور بود که یک ناسخ جاهلی وقتی می‌دید شیخ صدوق است، یک «رضی الله عنه» اضافه می‌کرد! خب چرا بعدی‌ها را نگفته است؟! لذا نسبت به صدوق نمی‌توان این‌گونه گفت. در غیرش هم نمی‌دانم. باید موردی نگاه کنیم. اما این «طاب ثراه» در این روایت، معلوم نیست در قلم سید بحر العلوم آمده یا نه. بله، در قلم آن ناسخی که شانزده سال بعد از وفات سید مصابیح را استنساخ کرده آمده است. ولی در آن نسخه خطی هم علامت «ره» آمده است.

بنابراین طبق فرمایش ایشان، به ذهن می‌رسد که مشکل مرحوم سید دقیقاً از کلمه «الدهقان» بوده است. نه از «عمر بن یزید» و .... در آن‌ها هیچ مشکلی نداشتند. این «الدهقان» مشکل ایجاد کرده است. چون در هیچ‌کدام از کتب رجالی عبید الله بن احمد الدهقان نداریم. عبید الله بن احمد بن نهیک داریم. هیچ کجا او را به الدهقان توصیف نکرده‌اند. لذا نزد سید مجهول شده است. ولی نزد علامه مجلسی واضح بوده که همان ایشان است. لذا به‌خاطر وجود آن دو نفر موثق فرموده‌اند. این هم به‌خاطر سند است. در مورد متن روایت سه جلسه صحبت کردیم.

---

[1] الكافي- ط الاسلامية نویسنده : الشيخ الكليني جلد : ۸ صفحه : ۳۳۱

بازبینی #4
ایجاد شده 30 دسامبر 2025 15:18:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 فوریه 2026 13:30:19 توسط ... .